۱۵



نجمه خیزران

مادر گرامی امام رضا

مادر گرامی امام جواد

بهاءالدین قهرمانی نژاد

بسم الله الرحمن الرحیم

زنان اسوه (۱۵) نجمه مادر گرامی امام رضا، خیزران مادر گرامی امام جواد علیهم السلام

نویسنده:

بهاء الدین قهرمانی نژاد

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زنان اسوه (۱۵) نجمه مادر گرامی امام رضا، خیزران مادر گرامی امام جواد علیهم السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : قهرمانی نژاد شائق ، بهاءالدین ، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور : حضرت نجمه و خیزران (مادران گرامی امام رضا و امام جواد)/ بهاءالدین قهرمانی نژاد.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۷۸ص.؛ ۹ × ۱۹/۵س م.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۳۴۴-۵

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : نجمه(س)

موضوع : خیزران ماریه قبلیه

رده بندی کنگره : BP۵۲/۲ /ن۳ ق۹ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۹

شماره کتابشناسی ملی : ۲۵۹۳۷۵۹

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

دیباچه

سعادت واقعی انسان و پویایی جوامع بشری در گرو شناخت و کارآمد کردن سیره اولیای الهی است. پرآشکار است که سیره اولیای الهی به ویژه اهل بیتِ خاندان وحی، متقن ترین آموزه های تربیتی و بنیادی ترین مؤلفه فرهنگ اسلامی است. شناخت واقعیت های زندگی آنان و بهره گیری از روش و منش و رفتار و گفتارشان می توانـد زمینه های تعالی و سعادت واقعی انسان را فراهم سازد. ازاین رو پژوهش در آثار اولیای الهی به ویژه جست وجو در احوال خانـدان پاک نبوت به منظور الگوگیری از آنان ضرورت انکارناپذیر مراکز پژوهشی است.

گروه تاریخ و سیره مرکز تحقیقات حج در راستای ایفای رسالت خود در ترویج فرهنگ اصیل اهل بیت علیهم السلام، دست به انتشار شرح حال عده ای از مردان

ص: ۸

و زنان انسان ساز در دفترهای مستقل زده است که این دفتر شرح حال نجمه مادر ارجمند حضرت رضا علیه السلام و خَیزُران مادر گرامی امام جواد علیه السلام است. امید است که این نوشته مورد قبول آن بزرگواران قرار گیرد.

در پایان مرکز تحقیقات حج بر خود لازم می داند که از تلاش پژوهشگر محترم آقای بهاءالدین قهرمانی نژاد و همه کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر تلاش کرده اند سپاس گزاری نماید.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه تاریخ و سیره

ص: ۹

مقدمه

آشنایی با زندگی زنان برگزیده و صالح در طول تاریخ، تأثیر مهمی در الگوپذیری انسان ها دارد؛ زیرا هدف اصلی آفرینش انسان، رسیدن به بالاترین درجات تکامل روحی و معنوی است و این امر بدون بندگی خداوند متعال، محقق نمی شود. لازمه بندگی و رسیدن به قرب الهی نیز هدایت خداوند است که انبیا و برگزیدگان خداوند، این مهم را برعهده گرفته و ضمن ابلاغ دعوت حق تعالی به مردم، در مقام الگویی کامل، با عمل و نحوه زندگی و همچنین شیوه تعامل با افراد، تأثیرات شگرفی بر جوامع انسانی گذاشته اند.

یکی از پژوهش های مغفول در عرصه الگوپذیری و انسان های الگو، بررسی زندگی همسران و مادران امامان معصوم علیهم السلام است که چندان توجهی به آن نشده است. به منظور احیای این گونه پژوهش ها، در این

ص: ۱۰

کتاب کوشیده ایم به صورت گـذرا و فشرده به زوایایی از زندگانی دو تن از مادران گرامی امامان معصوم علیهم السـلام حضـرت نجمه علیها السـلام مادر گرامی امام رضا علیه السـلام و حضـرت خَیْزُران علیها السـلام، مادر گرامی حضرت جواد الائمه علیه السلام بپردازیم. امید که چراغی فروزان بر سر راه حق مداران باشد، ان شاءالله.

ص: ۱۱

فصل اول: حضرت نجمه علیها السلام

اشاره

ص: ۱۲

ص: ۱۳

۱: ستارۀ پر فروغ

اشاره

هرچند نام های متعددی برای مادر امام رضا علیه السـلام در منابع به کار رفته است، ولی نجمه از دیگر اسامی مشهورتر است که در روایات متعددی به آن تصریح شده است. (۱)

علی بن یونس عاملی، از علماء بزرگ و محدثین نامی در کتاب صراط المستقیم نوشته است:

ابوالحسن، علی بن موسی الرضا علیه السلام، اُمّه جاریهٌ، اسمها نجمه. (۲)

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، مادرش نجمه نام داشت.

۱- مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب، ج۳، ص۴۷۵.

۲- صراط المستقیم الی مستحقی التقدیم، علی بن یونس النباطی البیاضی، ج۲، ص۱۳۹.

ص: ۱۴

چنان که از معاصـران نیز، باقر شریف القرشی (۱)و عزیزالله عطاردی (۲)، ضـمن بیان ابعاد مختلف زندگانی آن حضرت، به ماجرای تولد و اسامی مادر ایشان تصریح نموده اند.

با این حال اطلاعات ما در مورد خصوصـیات زندگی ایشان ناقص است که ناشـی از کتمان و تقیه به سـبب اسـتبداد حاکمان عباسی است.

ازدواج نورانی

علاقه و توجه ویژه حمیده (مادربزرگ امام رضا علیه السـلام) به فرزندش موسـی بن جعفر علیه السـلام باعث شد که هنگام رسـیدن وی به سنّ ازدواج، به دنبال فرد مناسبی برای او باشد. حمیده علیها السـلام، نجمه علیها السـلام را که دوشـیزه ای طاهره و مطهره بود را برای فرزندش در نظر گرفته بود. قطعاً این مسئله با دلالت امام صادق علیه السلام بوده است. شیخ مفید در این خصوص به روایت علی بن میثم و او به پدرش استناد کرده و می نویسد:

لمّا اشتریتُ لِحَمِیدَه، امِّ موسی بن جعفر علیه السلام، اُمَّ الرضا علیه السلام، نَجمهَ علیها السلام، ذَکرتْ حَمیدهُ انّها رَأَتْ فِی

۱- حیاه الامام علی بن موسی الرضا علیه السلام.

۲- الامام الرضا علیه السلام حیاته و سنده.

ص: ۱۵

المَنامِ رَسُولَ الله (ص) ، يَقُول لَها يَا حَمِيدَهُ، هِبِی نجمهَ لابنکِ موسی، فانّه سَيُولَدُ لَه مِنْها خَيرُ اَهلِ الاَرْض، فَوَهَبتُها له. (۱)

وقتی که کنیزی برای حمیده علیها السلام بردم که نجمه نام داشت، وی فرمود: در خواب، پیامبر (ص) را دیدم که به من می فرمود، ای حمیده، نجمه را به تزویج فرزندت موسی درآور که در اثر آن، بهترین اهل زمین از وی متولّد شود و من نیز چنین کردم.

این روایت می تواند مؤید این معنا باشد که نجمه علیها السلام، مدّتی را از حضور علمی و عملی حضرت حمیده علیها السلام، استفاده کرده است. امّا مؤید کامل این مسئله روایتی است که در آن چنین آمده است:

اِشْتَرَتْ حَميدهُ المصفاهُ وَ هی أمُّ ابی الحسن موسی بن جعفر وكانتْ مِن اشراف الْعَجَم، جاريهً مولّده وَاسْمُها تُكتَم و كانت من افضل النِّساءِ فی عقلِها ودينِها وإعظاماً لِمَوْلاتِها حميدَه المُصفّاهِ حتّی أنّها ماجَلَستْ بين يَدَيْها منذُ ملّكتْها إجلالاً لَها فَقَالَتْ لِابْنِها موسی يا بُنَیَّ اِنَّ تُكتَمَ جاريهٌ ما رأيتُ جاريهً قَطُّ اَفضَلَ مِنْها وَ لَسْتُ اَشُكُّ اَنَّ اللهَ سَيُطهّرُ نسلَها اِنْ كانَ لها نسلٌ وَقَد وهبتُها لكَ

۱- الاختصاص، شیخ مفید، ص۱۹۶.

ص: ۱۶

فَاسْتوصِ بِها خَیراً. (۱)

مادر امام کاظم علیه السـلام جناب حمیده مصـفّاه که از اشـراف و بزرگان عجم بود، کنیزکی مولّده (۲)به نام تکتم خریداری کرد. تکتم از نظر عقـل و دین و احـترام به بـانویش حمیـده جزء بهـترین زنـان بود به گونه ای که از زمـانی که در ملکیّت جنـاب حمیـده درآمد، از روی احترام و آداب در مقابل آن بانو نمی نشـست، لذا جناب حمیده به فرزندش حضـرت موسی بن جعفر علیهما السلام گفت: پسـرم، تکتم کنیزی است که بهتر از او کنیزی ندیـده ام و شک نـدارم که اگر نسـلی از او به وجود آیـد، خداوند آن نسل را پاک و مطهر قرار می دهد. او را به تو بخشیدم با او به نیکی رفتار کن.

با این مقدمات، این ازدواج بزرگ و مهم، صورت واقع به خود گرفت و امام کاظم علیه السـلام، با این دوشـیزه نیک سیرت ازدواج کرد.

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، ج۲، ص۲۴؛ کشف الغمه، علی بن عیسی اربلی، ج۳، ص۱۰۵.

۲- کنیز مُولّده، کنیزی را گوینـد که در بین عرب ها متولـد شـده و با اولاد آنها بزرگ شـده و با آداب و رسوم ایشان پرورش یافته است.

ص: ۱۷

۲: میلاد ثامن الحجج علیه السلام

مدتی از پیوند آسمانی امام موسی بن جعفر علیه السلام با نجمه علیها السلام می گذشت. این همسر تربیت شده خاندان امامت، می دانست که مسئولیت بزرگی به دوش خواهد داشت. او نیک آگاه بود که خداوند متعال، سعادت مادری حجّت بزرگ الهی را به دوش وی قرار داده است.

وی در ایام حاملگی، گاهی در رؤیا، صدای مناجات قدسی و زیبایی را به گوش جان می شنید. توگویی که این فرزند، مانند جدهٔ اش فاطمه زهرا علیها السلام، قبل از تولّد انیس و مونس مادرش حضرت خدیجه علیها السلام بود. (۱)

۱- الثاقب فی المناقب، عماد الدین ابن حمزه طوسی، ص ۲۸۵.

ص: ۱۸

حضرت نجمه علیها السلام خود در این باره می فرمود:

لمّا حَمَلْتُ بابْنی الرِّضا لَمْ اَشْعر بِثِقل الحَمْل و کنتُ اَسْمَعُ فِی مَنَامِی تَسْبِیحَاً وَتَهْلِیلًا وَتَمْجِیداً مِن بَطْنی فیُفْزَعُنی ذلک ویَهُولُنی فاذا انْتَبهتُ لَمْ اَسْمَعْ شَیئَاً. (۱)

یعنی وقتی که به فرزندم رضا علیه السلام حامله شدم، از سنگینی و آثار حمل چیزی حسّ نمی کردم، امّا دائماً در خواب خویش، صدای تسبیح و تهلیل و تمجید را از شکم خویش می شنیدم، که باعث هول و هراس من می شد همین که بیدار می شدم، چیزی نمی شنیدم.

نیمه های شب یازدهم ذی القعده به فجر طالع و سپیدهٔ صادق نزدیک می شد. قدوسیان در عالم عرش، نوای خُلد سرداده بودند و کرّوبیان آماده هم نوایی با ایشان گشته و اهل خانه موسی بن جعفر علیه السلام در کنار روضه نبوی (ص) در همان حالی که حضرت در حال مناجات بود، منتظر قدوم رضای اهل بیت علیهم السلام بودند. چشمان منتظر حضرت حمیده علیها السلام و بانوان اهل بیت علیهم السلام به سوی حجرهٔ محل استراحت حضرت نجمه دوخته

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴؛ الخرائج و الجرائح، قطب راوندی، ج ۱، ص ۳۳۷.

ص: ۱۹

شده بود. لحظه موعود فرا رسید و قبل از طلوع فجر، فجر حقیقی طالع شد و نوری زیبا، خانهٔ آن حضرت را فرا گرفت.

آری به واقع، خیر اهـل الارض و بهترین عطیـهٔ الهی که پیـامبر (ص) پیش بینی کرده و در رؤیای صادقه، به مادر بزرگش حضـرت حمیـده علیها السـلام فرموده بود، قـدم به عرصه وجود گذاشت. در آن هنگام که ولوله شادی از حجرهٔ نجمه علیها السـلام بلند شده بود، نوزاد را به آغوش پدر که در کنار بستر نجمه علیها السـلام نشسته بود، دادند. در روایت آمده است، به محض اینکه امام کاظم علیه السلام چشم مبارکش به امام رضا علیه السلام افتاد، به همسرش چنین تبریک گفت:

«هنیئاً لکِ یا نجمهُ کرامهُ ربّک» (۱)؛ «گوارا باد بر تو ای نجمه کرامت خداوند» .

در دنباله این روایت از قول نجمه علیها السلام آمده است:

فَناوَلْتُهُ ایّاه فی خِرقهٍ بَیضاء. (۲)

نوزادم را در پارچه سفیدی پیچیده به دست مبارک پدرش دادم.

سپس در دنباله روایت می خوانیم:

فَاذَّن فی اُذُنِه الیُمنی و أقامَ فِی الیُسری و دَعَا

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴؛ بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۹.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴؛ بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۹.

ص: ۲۰

بِماءِ الفُراتِ فَحنّکه بِهِ ثُمَّ رَدَّه اِلَیَّ وقال: خُذِیه فانّه بقیَّهُ اللهِ عزَّوَجَلَّ فِی أَرْضِهِ

(۱) .

پس در گوش راست و چپ او اذان و اقامه گفت، و قـدری آب فرات طلب نمود (که پیونـدی بین نوزاد و جـدّ غریبش حسـین علیه السـلام باشـد) و کـامش را بـا آب فرات برداشت و به من برگردانـد و فرمود: آگـاه بـاش که او حجت بـاهرهٔ حق تعـالی روی زمین خواهد بود.

امام کاظم علیه السلام در تولّد فرزندش فرموده:

بَیْنَا أنا نائمٌ اِذا أتانی جَدّی وَأبی عَلَیْهِمَا السَّلام وَمعَهُمَا شِـقّهُ حَرِیرٍ فَنَشَراها فإذَا قَمیصٌ وفِیهِ صُورَهُ هَذِهِ الجَاریهِ، فَقَالا یا موسی لَیَکُونَّن لَکَ مِنْ هـذِه الجاریهِ خَیرُ أَهلِ الأَرْضِ بَعْـدَک، ثُمَّ أَمَرانی إذا وَلَـدتْه اَنْ اُسَـمّیَه علیاً وقالا لی: إنَّ الله عَزَّوَجَلّ سَـیُظْهِرُ بِهِ العَدْلَ وَالرَّأفَهَ وَالرَّحْمَه طوبی لِمَنْ صَدّقَه وَوَیلٌ لِمَنْ عَادَاه وَجَحَده. (۲)

زمـانی در رؤیـا دیـدم که جـدّم امام باقر علیه السـلام به همراه پـدرم امام صادق علیه السـلام نزد من آمـده و همراهشان پارچه ای از حریری بود که چشم را خیره می کرد، وقتی آن حریر را گشودند، چهرهٔ این کنیز [همسرم

نجمه]را در آن دیدم و به من فرمودند: ای موسی،

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص۲۴؛ بحارالانوار، ج۴۹، ص۹.

۲- الانوار البهیه، شیخ عباس قمی، ص ۲۱۰.

ص: ۲۱

از این کنیز برای تو بهترین اهل زمین متولّد شود. سپس فرمودند که بعد از تولد نام او را علی بگذارم و به من فرمودند خداوند به برکت او، عدالت، رأفت، رحمت و مهربانی را آشکار خواهد نمود. پس خوش به حال کسی که او را تصدیق کرده و وای به حال آن که با او دشمنی و او را انکار کند.

ص: ۲۲

ص: ۲۳

۳: تولّد کریمه اهل بیت علیها السلام

یکی از فرزندان مهمّی که حضرت نجمه علیها السلام، علاوه بر امام رضا علیه السلام به دنیا آورد، دختری بود که فاطمه نام گرفته و بعدها به القابی مانند معصومه و کریمه اشتهار یافت. تاریخ ولادت فاطمه معصومه علیها السلام به نقلی سال ۱۸۳ه. ق یا ۱۷۵ه. ق (۱)است. ولی در روز ولادت وی تردیدی نیست و همه محدثین و مورخین، اوّل ذی القعده را، زادروز وی دانسته اند. (۲)بر اساس نقل اول، در ایّام اسارت و زندانی بودن امام کاظم علیه السلام که منجر به شهادت وی شد، حضرت نجمه علیها السلام به این دختر والامقام، باردار بوده است. امّا بر پایه نقلی دیگر

۱- اعلام النساء المؤمنات، محمد حسون و اُمّ علی مشکور، ص۵۷۶.

۲- اعلام النساء المؤمنات، محمد حسون و اُمّ علی مشکور، ص۵۷۶.

ص: ۲۴

آن حضرت در زمان شهادت پدرش دختری هشت ساله بوده است.

دختر والانسب موسی بن جعفر، بیشترین زمان خود را علاوه بر مادر، در محضر برادرش امام رضا علیه السلام می گذراند. عشق و علاقه وافر به برادر که به مقام حجت اللّهی رسیده بود، او را به محضر علم و فضل وی کشانده و به زودی، شرایع دین و آموزه های حقیقی کتاب و سنت نبوی (ص) را از حضور وی کسب کرده و خیلی زود، به دختری فاضله و عالمه مشهور گردید.

وی در مراتب علم و یقین و ایمان به حدّ بالایی رسید. حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، در روایت آثار اجداد طاهرین خویش نیز مقامی ممتاز یافت. او از جمله راویان واقعه مهم، متواتر و تاریخ ساز، غدیرخم محسوب می شد. (۱)علاوه بر قرار داشتن در سلسله روات حدیث غدیر، احادیث دیگری نیز از طریق پدران خویش نقل کرده است. از جمله، او از برادرش حضرت رضا علیه السلام و از طریق وی از پدرش امام

۱- علامه امینی نام وی را در سلسله روات حدیث غدیر آورده است. ر. ک: الغدیر، ج۱، ص۱۹۷. نقل از کتاب: زنان دانشمند و راوی حدیث، احمد صادقی اردستانی، ص ۳۵۴.

ص: ۲۵

موسی بن جعفر علیه السلام و او از پدرش امام صادق علیه السلام و او از پدرش امام باقر علیه السلام و او از پدرش امام زین العابدین علیه السلام نقل کرده که هنگام تولد حضرت امام حسین علیه السلام، پیامبر (ص) به عمه اش صفیه فرمود: «عمّه جان، فرزندم را نزد من بیاور» . صفیه عرضه داشت: «اجازه بدهید که ابتدا او را شست وشو داده و سپس به نزد شما بیاوریم» . پیامبر (ص) فرمود: «نیاز به این کار نیست؛ زیرا خداوند او را پاک و طاهر آفریده است» . (۱)

حضرت معصومه علیها السلام، بعدها زندگی بسیار پرماجرایی را تجربه نمود. بعد از شهادت پدر و در دوران امامت برادرش، یار و یاور وی در اموری بود که امامش به وی محوّل می نمود. او به طور قطع، به دلیل علم و کمالاتی که داشت، مورد مراجعه بانوان و زنان بود، وی تا زمانی که برادرش در مدینه بود، یار و یاور او و هنگامی که در سال ۲۰۱ه. ق به ایران رفت، بعد از مدتی به شوق دیدار برادر، با تعدادی از نزدیکان به سوی برادرش رهسپار شد. امّا وقتی که در مسیر حرکت در ایران، از مناطق مرکزی عبور می کرد،

۱- الامالی، شیخ طوسی، ص ۸۲.

ص: ۲۶

کاروان کوچکش مورد حمله حاکمان محلّی قرار گرفته و تعدادی در این میان به شـهادت رسـیدند. وی به همراه چند نفر، به سمت قم که در آن هنگام عـده ای از قبایل علاقه مند به اهل بیت علیهم السـلام، از خزرجیان و مردم محلّی در آنجا ساکن بودند، حرکت کرد و پس از چند روز در این شهر درگذشت.

عظمت وی چنان بود که امام جواد علیه السلام در وصف وی فرمود: «هر کس مرقد او را با معرفت زیارت کند، اهل بهشت است» . (۱)

بنابراین، خداوند متعال نجمه علیها السلام را به آزمایش های گوناگونی آزمود که شهادت همسر و فراق فرزند از جمله آنها بود.

از زمـان درگـذشت این بانوی بزرگوار اطلاعی در دست نیست؛ ولی گفته شـده محل دفن ایشان در نزدیکی های مشـربه ام ابراهیم در مدینه است. (۲)

۱- بحارالانوار، ، ج۴۸، ص۳۱۶.

۲- تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، اصغر قائدان، ص ۲۷۶.

ص: ۲۷

فصل دوم: حضرت خیزران علیها السلام

اشاره

ص: ۲۸

ص: ۲۹

۱: جواهری از غرب حاکمیت اسلامی

گسترش اسلام به سرزمین های شامات و آفریقا، باعث هجرت گروهی از نومسلمانان به سمت حجاز (عربستان) شد. (۱)

این اشخاص، به دلیل علاقه و انس شدیدی که به اسلام پیدا کرده بودند، در دو شهر مهم مکه و مدینه مستقر می شدند. از میان این افراد، گروهی از انسان های آزاد و دلباخته روضه نبوی (ص) و اهل بیت علیهم السلام، مدینه را برای سکونت برگزیدند و عده ای دیگر نیز که به صورت غلام یا کنیز وارد شهر پیامبر (ص) شدند، در اثر ارتباط با این خاندان، به مقامات روحی فوق العاده ای

۱- این تردّد دو طرفه بوده است؛ یعنی همچنان که نومسلمانان مناطق غرب اسلامی به مناطق حجاز و عراق رفتند، برخی مسلمانان عرب حجاز و عراق نیز، به این سرزمین ها رفته و به دلائل مختلف - که بعضاً جنبه مذهبی و تبلیغی داشته است - در همان جا ساکن شدند و تولید نسل کردند.

ص: ۳۰

رسیده و منزلتی عظیم یافتند. حضرت خیزران علیها السلام، از والاترین اشخاص گروه دوم بود که بعد از پیمودن مسیری طولانی (از غرب حاکمیت اسلام) و با مشیت حق تعالی به خانه امام رضا علیه السلام راه پیدا کرد.

با جست وجو در منابع، این نکته به دست می آید که احتمالاً آن حضرت از خاندانی می باشد که ماریهٔ قبطیه (همسر پیامبر (ص) و مادر ابراهیم فرزند رسول الله (ص)) از آن بوده است. اوّلین سند معتبر در این مورد، کلام محمدبن یعقوب کلینی (متوفای ۳۲۹ ه. ق) است که می فرماید:

رُوِی اَنّها کانَت مِن اَهلِ بَیتِ مارِیَه، اُمِّ اِبراهیمَ بنِ رَسُولِ اللهِ (ص) . (۱)

روایت شده که وی از خاندانی بوده است که منتهی به ماریه قبطیه می شده است.

بزرگان دیگری نیز این رأی را پذیرفته اند، مانند علامه فضل بن حسن الطبرسی (متوفای۵۴۸ ه. ق) که به صراحت می گوید:

«وَکانَت مِن اَهلِ بَیتِ مارِیَه القبطیَّه» (۲)؛ «وی از خاندانی بود که نسبش به ماریه قبطیه می رسید» .

از میان محققان متاخّر، می توان به شارح اصول

۱- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۴۹۲.

۲- تاج الموالید فی موالید الائمه و وفیاتهم، فضل بن حسن الطبرسی، ص۵۲.

ص: ۳۱

کافی، مُلا صالح مازندرانی (متوفای ۱۰۸۱ه. ق) اشاره کرد که عیناً این مطلب را از کافی نقل کرده است. (۱)محقق بحرانی (متوفای ۱۱۸۶ه. ق) نیز در این باره می نویسد:

«وَکانَت مِن اَهلِ بَیتِ مارِیَه القبطیَّهِ؛ اُمِّ اِبراهیمَ ابنِ النَّبِی (ص)» . (۲)

برای این موضوع می توان دو وجه تصوّر نمود: اوّل اینکه با توجه به منزلت خاصّی که ماریه قبطیه نزد پیامبر (ص) داشت، پس از به دنیا آوردن ابراهیم، برخی از زنان پیامبر (ص) به او حسادت کردند. به همین دلیل رسول خدا (ص) ، منزلی را برای او در خارج از شهر مدینه و در یکی از باغات که امروزه به «مشربه اُمّ ابراهیم» مشهور است، تدارک دید (۳)، نام این بانو و خاطره وی برای اهل بیت علیهم السلام چنان بوده که اگر شخصی به منطقه قبطیون مصر منتسب می شد و عمل و اعتقادش نیز صحیح بود، مورد تکریم ایشان قرار می گرفت. دوّم، اینکه آن بانو از خاندانی است که به ماریه قبطیه منسوب می باشد و به نظر احتمال دوّم، موافق ظاهر و نزدیک تر به واقع است.

۱- شرح اصول الکافی، ملا صالح مازندرانی، ج ۷، ص ۲۸۴.

۲- الحدائق الناضره، محقق بحرانی، ج ۱۷، ص۴۳۸.

۳- ر. ک: آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان، ص ۲۶۰.

ص: ۳۲

ص: ۳۳

۲: اسامی مادر امام جواد علیه السلام

در گزارش های روایی و تاریخی برای مادر بزرگوار حضرت جواد الائمه علیه السلام اسامی متفاوتی ذکر شده است، امّا بیشتر منابع در نـام «خیزران» ، اتفـاق نظر دارنـد. در اینجا به چنـد نمونه از مشـهورترین این گزارش ها اشاره می کنیم. کلینی (ره) ، ضـمن بیان چند نام می فرماید:

«قیلَ اِنَّ اسمَها کانَ خَیزُرانَ» . (۱)

الخصیبی (متوفای ۳۳۴ه. ق) نیز چنین آورده است:

«اسمُ اُمِّهِ خَیزُرانُ المریسیهُ» (۲)؛ «نام مادر امام جواد علیه السلام، خیزران از اهالی مریس (۳)بوده است» .

همین طور شیخ صدوق (ره) (متوفای ۳۸۱ه. ق) در

۱- الکافی، ج ۱، ص ۴۹۲.

۲- الهدایه الکبری، ابوعبدالله حسین بن حمدان الخصیبی، ص ۲۹۵.

۳- احتمالاً منطقه ای از نوبه و مغرب است.

ص: ۳۴

برخی آثار خویش تصریح کرده است که:

اَبُوجَعفَرٍ، مُحَمَّدُ بنُ عَلی الزَّکی، اُمُّهُ جارِیَهٌ، اسمُها خَیزُران. (۱)

امام ابوجعفر، محمد بن علی، آن امام پاک سیرت، مادرش کنیز و نامش خیزران بوده است.

همچنین، محمد بن جریر الطبری الشیعی، (متوفای اوائل قرن چهارم) ، ضمن بیان چند نام چنین نوشته است:

«یُقالُ لَها خَیزُرانُ وَاللهُ اَعلَم» . (۲)

علامه طبرسی (متوفای ۵۴۸ ه. ق) نیز پس از بیان چند نام، خیزران را ترجیح داده و می نویسد:

اُمُّهُ اُمُّ وَلَدٍ، یُقالُ لَها اُمُّ البَنین وَکانَ اسمُها سَکَنَ النَوبیَّه وَیُقالُ خَیزُرانُ المَریسیَّهُ وَیُقال شَهِدَه وَالاَصَحّ خَیزُران. (۳)

مادر آن حضرت را امّ البنین، سَکن نَوْبی، خیزران المریسیه و شَهِده گفته اند، ولی صحیح تر خیزران است.

ابومنصور طبرسی، صاحب کتاب «الاحتجاج» (۴)نیز

۱- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۸؛ کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ص ۳۰۷.

۲- دلائل الامامه، ص ۳۹۷.

۳- تاج الموالید، ص ۵۲.

۴- الاحتجاج، ابومنصور احمد بن علی طبرسی، ج ۲، ص ۱۳۷.

ص: ۳۵

همین نظر را پذیرفته است. ابن شهر آشوب مازندرانی (متوفای ۵۸۸ ه. ق) هم معتقد است که نام وی «دُرّه» به معنای «گوهر» بوده و امام رضا علیه السلام او را خیزران نامیده است.

وی می نویسد:

مادر آن حضرت، کنیزی بوده که نامش دُرّه و از اهالی مریس بود؛ پس امام رضا علیه السلام او را خیزران نامید و او از خاندان ماریه قبطیه بوده و سبیکه نیز نامیده می شد و گفته اند از اهل نوبه (۱)بوده و ریحانه نام داشته و مکنّی به امّ الحسن بوده است. (۲)

۱- همان منطقه ای که فضه (خادمه حضرت زهرا علیهماالسلام) از آن دیار بود.

۲- مناقب آل أبی طالب، ج ۱، ص ۱۴۹.

ص: ۳۶

ص: ۳۷

۳: وجه تسمیه خیزران علیها السلام

واژه خیزران در زبان عرب، به معنای «درخت» یا «گیاه بابرکت» است. ابن منظور (متوفای ۷۱۱ ه. ق) دراین باره نوشته است:

قالَ ابنُ سَیِّدَه، الخَیزُرانُ نَباتٌ لَیِّنُ القَضبانِ اَملَسُ العیدانِ، لا یَنبُتُ بِبِلادِ العَرَب وَانّما یَنبُتُ بِبِلادِ الرّوم. (۱)

به نقل از ابن سیده [از لغویین معروف عرب]، خیزران درختی است نرم که چوب آن دارای خاصیت چسبندگی و استحکام با بوی خوش بوده و در سرزمین های عربی روییده نمی شود، بلکه مختص ممالک روم می باشد.

زبیدی (متوفای ۱۲۰۵ ه. ق) نیز عین همین مطلب

۱- لسان العرب، ج ۴، ص ۲۳۷.

ص: ۳۸

را آورده است. (۱)

این قرائن لغوی به علاوه گزارش منابع روایی و تاریخی، ما را به این واقعیت راهنمایی می کند که خیزران، لقبی است که به دلیل وجود برکات روحی و معنوی این بانو به ایشان اعطا شده و در اثر کثرت استفاده از این وصف، به خیزران معروف شده است.

علاوه بر منابع لغوی، در نوشتار مورخان و محدثان شیعه و اهل سنّت به وجه تسمیه و پیشینه این نام مبارک توجه شده که به چند مورد اشاره می شود.

در منابع تاریخی آمده است که هشام بن عبدالملک – از حاکمان بنی امیه – در موسم حجّ، به جهت کثرت جمعیت نتوانست استلام حجر کند. بنابراین در گوشه ای نشست و به اتفاق همراهان به خیل جمعیت نگاه می کرد. ناگاه مشاهده کرد امام سجاد علیه السلام با کمال وقار در حال طواف است. هنگامی که به محل استلام حجر رسید، مردم برای ایشان راه باز می کنند. در این هنگام یکی از همراهان او که ظاهراً از امیران نواحی اطراف دمشق بود و امام را نمی شناخت، با تعجّب از

۱- تاج العروس، ج ۳، ص ۱۷۵.

ص: ۳۹

هشام پرسید: «او کیست که مردم چنین احترامش می کنند؟ !» هشام پاسخ داد: «نمی شناسم! !» فرزدق شامی که به اهل بیت علیهم السلام علاقه فراوانی داشت، بلافاصله گفت: «امّا من او را به خوبی می شناسم و اگر خواهی، او را معرفی کنم» . آن گاه بدون اینکه منتظر دستور هشام شود، با قصیده ای غرّا و بسیار پرمعنا و زیبا، امام را چنین معرفی کرد:

یا سائلی اَیْنَ حَلَّ الجُودُ والکَرَمُ

عِندی بَیانٌ اذا طُلّابُهُ قَدِمُوا

هذَا الَّذی تَعرِفُ البَطحاءُ وَطأَتَهُ

وَالبَیتُ یَعرِفُهُ وَالحِلُّ وَالحَرَمُ (۱)

ای کسی که سؤال می کنی معدن جود و آقایی کجاست؟ اگر جویندگان جود و کرم نزد من آیند، به آنها معرفی خواهم کرد. این آقایی است که سرزمین بطحاء [مکه] جای پای قدم های او را می شناسد، همان طور که کعبه و اطراف آن او را می شناسند.

وی ضمن برشمردن اجداد طاهرین امام و بیان فضایل بی شمار ایشان، در حالی که رنگ به رخساره هشام نبود در توصیف امام سجاد علیه السلام چنین سرود:

۱- حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ابونعیم اصفهانی، ج ۳، ص ۱۳۹.

ص: ۴۰

فی کفّه خَیزُران ریحُهُ عَبِقٌ

مِن کفّ اَرْوَعَ فِی عِرْنینِه شَمَمٌ (۱)

دست او مانند چوب خیزران خوشبوست که در دست وی و از باطن او متجلی است.

در این بیت لفظ خیزران به معنای چوب درخت خوشبو، یا گیاه بابرکت است. علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ه. ق) در کتاب «بحارالانوار» ضمن بیان این بیت، عَبِق را به بوی بسیار دل انگیز معنا کرده و چنین گفته است:

رَجُلٌ عَبَقَ اِذا تَطَیَّبَ بِاَدنی طیبٍ لَم یَذهَب عَنْهُ اَیّاماً. (۲)

لفظ خیزران در جایی است که فردی عطر استفاده کند، به طوری که تا مدتی بوی آن زائل نشود.

آنچه گذشت نمونه ای از وجه تسمیه مناسب این نام و مطابقت معنای خیزران با برکات وجودی این بانوی طاهره بود.

۱- تاریخ ابن عساکر، ص ۳۳۴؛ مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نورالدین هیثمی، ج ۹، ص ۲۰۰؛ الروضه البهیه، زین الدین جبعی عاملی، ج ۶، ص۱۲۴.

۲- بحارالانوار، ج۴۶، ص۱۲۹.

ص: ۴۱

۴: ازدواج با امام رضا علیه السلام

درباره جریان ازدواج حضرت امام رضا علیه السلام با حضرت خیزران، اطلاعات دقیقی نداریم، ولی با بررسی برخی منابع، به این نکته پی می بریم که این دوشیزه پاک سیرت، در مدینه متولد شده و احتمالاً با پدر و مادرش - از نوبه یا مغرب و در اثر فتوحات - به شهر پیامبر (ص) قدم گذاشته است.

ابی نصر بخاری (متوفای ۳۴۱ه. ق) به این مطلب تصریح کرده و می نویسد:

«اُمُّه اُمُّ وَلَدٍ یُقالُ لَها خَیزُران مِن مُولَّداتِ المَدینَه « (۱)؛ «مادر امام جواد علیه السلام از کسانی بود که در مدینه متولد گردید» .

ابن فتال نیشابوری (متوفای ۵۰۸ ه. ق) نیز در این

۱- سرّ سلسله العلویه، ص ۳۸.

ص: ۴۲

زمینه چنین می نویسد:

هشام بن احمر از یاران امام کاظم علیه السلام نقل می کند: روزی آن حضرت با من سخن می گفت و پرسید: هشام! آیا به تازگی شخصی از مغرب [سرزمین های غرب خلافت اسلامی]، وارد مدینه شده است؟ (۱)

هشام می گوید: عرض کردم، خیر، گمان نمی کنم چنین باشد! امام فرمود: اشتباه می کنی، بلکه به تازگی، شخصی که چند کنیز همراه اوست به مدینه آمده است. (۲)

هشام می گوید: به همراه ایشان حرکت کرده و به محلّی که در آن، همان شخص با چند جاریه [یا کنیز] بود، وارد شدیم. امام به آن شخص [صاحب کنیزان]، اشاره کرد که کنیزان خود را عرضه کند. وی هفت کنیز به امام نشان داد و امام فرمود: هیچ یک از ایشان مورد نظر من نیستند و سپس فرمود: اگر کنیز دیگری داری، به ما نشان بده. آن شخص عرض کرد: تنها

۱- این بیان امام گویای آن است که هشام احمر، یا فرد مطلعی بوده و یا با مسئله فروش غلامان یا کنیزان ارتباطی داشته است و نکته مهم تر اینکه شهر مدینه به صورتی بود که اگر شخصی غیر عرب وارد آن می شد، همگان متوجه می شدند.

۲- مبحث کنیزداری یا داشتن غلام در اسلام، برای مقابله با برده داری ظالمانه ای بود که در بین سلاطین و اعیان رواج داشت. اسلام برای کنترل این شیوه استثمار، قوانینی وضع کرد و آن را محدود نمود تا این قشر بتوانند به حقوق مادی و معنوی خویش دست یابند.

ص: ۴۳

یک کنیز بیمار دارم و حاضر نیستم آن را در اختیار شما قرار دهم. امام بازگشت و من هم، به همراه ایشان رفتم. روز بعد، امام دوباره مرا به سوی آن شخص فرستاد و گفت: از او بپرس که چه مقدار پول در قبال آن کنیز بیمار می خواهی. (۱)

هشام می گوید: به نزد صاحب کنیزان رفته و عین مطلب را به او گفتم. او نیز قبول کرد و با تعجّب پرسید: من این کنیز را به تو می دهم به شرط اینکه بگویی، آن شخص بزرگواری که دیروز همراهت بود، که بود؟ ! من پاسخ دادم: مردی از بنی هاشم. صاحب کنیزان گفت: از کدام تیره بنی هاشم؟ ! هشام - به جهت مراعات مسائل امنیتی - پاسخ داد: بیشتر از این نمی توانم بگویم.

در آن هنگام صاحب کنیزان، پرده از رازی مهم برداشت و گفت: اینکه از هویت آن بزرگوار پرسیدم، دلیل داشت؛ زیرا این کنیز را که اکنون بیمار است از مغرب آورده ام. در آنجا زنی روشن ضمیر از اهل کتاب (قدّیسه ای از نصاری) وقتی چشمش به این کنیز افتاد، به من گفت: این

۱- از اینجا معلوم می شود که امام کاظم علیه السلام، از جایگاه حضرت خیزران و اینکه او مادر یکی از حجّت های الهی خواهد بود، آگاه بوده و جز به اشخاصی مانند هشام احمر، نمی توانست اعتماد کند.

ص: ۴۴

دوشیزه کیست که به همراه داری؟ ! من گفتم: او را به جهت همسری خودم اختیار کرده ام! امّا آن قدّیسه ربانی گفت: قطعاً این طور نیست و او شایسته بهترین شخص ربانی در روی زمین است و پس از ازدواج با آن شخص که بهترین و والاترین بنده شایسته حق تعالی است، خداوند فرزندی به ایشان عنایت خواهد کرد که مانند او [در زمان خودش] در شرق و غرب نیست!

هشام می گوید: وقتی این سخنان را از صاحب کنیز شنیدم، در حالی که سخت تعجب کرده بودم، به همراه آن کنیز به خانه امام کاظم علیه السلام رفته و آن دوشیزه را به محضرش بردم. امام پس از نگاه محبت آمیزی که به چهره سراسر حجب و حیای خیزران علیها السلام انداخت و به سلام و ادب وی پاسخ داد، وی را به ازدواج امام رضا علیه السلام درآورد. (۱)

هشام در ادامه این روایت می گوید: «این دوشیزه پاک سیرت، بعدها «ام البنین» نامیده شد و به او خیزران مریسیه و سکن نوبیه نیز می گفتند» . (۲)

البته در نقل نیشابوری به جای «وَلَدَت ابنَ الرِّضا علیه السلام» ، «وَلَدَتِ الرِّضا علیه السلام» آمده است.

۱- روضه الواعظین، نیشابوری، ص ۲۳۵.

۲- روضه الواعظین، نیشابوری، ص ۲۳۵.

ص: ۴۵

با توجه به اینکه اکثر منابع، تنها فرزند امام رضا علیه السلام و یا حداقل تنها پسر ایشان را، امام جواد علیه السلام دانسته اند، بنابراین، لقب «ابن الرضا علیه السلام» فقط در مورد حضرت جوادالائمه علیه السلام می تواند موضوعیت داشته باشد. توجه به اسامی ذکر شده نیز این نکته را بر ما روشن می نماید، والا ـ باید این بانو، همسر امام کاظم علیه السلام باشد که هیچ کدام از این اسامی و اوصاف، با او تناسبی ندارد.

همچنین نقل این ماجرا از طریق قدیسه ای از اهل کتاب، بیانگر این است که علائم پیامبر (ص) و اوصیای ایشان در منابع عهد عتیق نیز آمده است.

ص: ۴۶

ص: ۴۷

۵: تولد امام جواد علیه السلام

بر اساس روایت قبلی و گزارش های مؤید آن، زندگی سراسر نور و برکت امام رضا علیه السلام با خیزران علیها السلام بایستی حدوداً از سال ۱۷۰ ه. ق شروع شده باشد که سنّ حضرت در آن هنگام نزدیک به بیست و دو سال بوده است. (۱)

در پاسخ به این سؤال که آیا قبل از ولادت حضرت جواد علیه السلام، امام فرزند دیگری از خیزران علیها السلام و یا از همسر دیگری غیر از خیزران داشته است، باید گفت، منابع معتبر اشاره ای به این مطلب نکرده اند. امّا مرحوم طبرسی و ابن خشاب بغدادی از متقدمین و

۱- ولادت ایشان ۱۱ ذی القعده ۱۴۸ه. ق بوده، بنابراین هنگام ازدواج نزدیک به ۲۲ سال داشته اند.

ص: ۴۸

مرحوم محدث قمی از متأخرین، معتقدند که امام رضا علیه السلام بیش از یک فرزند داشته اند. طبرسی و ابن خشّاب سه پسر به نام های «ابوجعفر اکبر» ، غیر از ابوجعفر اصغر که همان امام جواد علیه السلام است، «حسن» که ممکن است کنیه ابوالحسن برای امام رضا علیه السلام با عنایت به آن باشد و «حسین» که ممکن است همان سید حسین یا شاهزاده حسین مدفون در قزوین باشد، هرچند به نظر می رسد وی از نوادگان آن حضرت است و یک دختر برای امام رضا علیه السلام برشمرده اند. (۱)

نام این دختر در منابع ذکر نشده، ولی از نقل محدث قمی برمی آید که نام وی «فاطمه» بود. در خصوص اسامی فرزندان حضرت، مرحوم محدث قمی می نویسد:

هرچند اغلب علما برای حضرت رضا علیه السلام، فرزندی به جز امام محمدتقی علیه السلام ذکر نکرده اند و شیخ مفید قدس سره به این نکته تصریح کرده، لکن علامه مجلسی قدس سره از قرب الاسناد حمیری نقل کرده که بزنطی خدمت حضرت رضا علیه السلام عرض کرد: چند

۱- تاج المواليد فی مواليد الائمه و وفياتهم، فضل بن حسن طبرسی، ص۵۱؛ تاریخ مواليد الائمه، ابن خشاب بغدادی، ص ۳۷. ر. ک: الثاقب فی المناقب، باب فرزندان امام رضا علیه السلام.

ص: ۴۹

سال است [که] از شـما درباره جانشـینتان می پرسم، شـما می فرمایید: پسـرم؛ [پرسیدم:] خداوند دو پسر به شما موهبت فرموده، پس کدام یک از این دو هستند. (۱)

مرحوم محـدث در ادامه این روایت، نام فاطمه بنت علی بن موسـی الرضا علیه السـلام را آورده است که روایت زیبایی را نیز از وی نقل می کند. متن این روایت طبق نقل وی چنین است:

عَن فـاطِمَهَ بِنتِ الرِّضـا عَن اَبیهـا عَن اَبیهِ عَن جَعفَربنِ مُحَمَّدٍ عَن اَبیهِ وَعَمِّهِ زَیـدٍ عَن اَبیهِما عَلی بنِ الحُسَـینِ عَن اَبیهِ وَعَمِّهِ عَن عَلی بنِ أبی طالِبٍ علیه السلام عَنِ النَّبی (ص) قالَ: مَن کَفَّ غَضَبَهُ کَفَّ اللهُ عَنهُ عَذابَهُ وَ مَن حَسُنَ خُلقُهُ بَلَّغَهُ اللهُ دَرَجَهَ الصّائِمِ القائِم. (۲)

فاطمه دختر امام رضا علیه السـلام از پـدران خود از حضـرت رسول اکرم (ص) روایت کرده که فرمود: هرکه بازدارد غضب خود را [خشم خود را فرو خورد] خداوند متعال عذاب خود را از او در روز قیامت باز خواهد داشت و هرکه اخلاق خویش را نیک کند،

۱- منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۵۳.

۲- منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۵۳.

ص: ۵۰

خداوند متعال او را به درجه شخصی که دائماً روزها را روزه داشته و شب را قیام به نماز شب داشته، مقرر کند.

محدث قمی در دنباله این گزارش می نویسد: «وی همسر محمد بن جعفر بن قاسم بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر طیّار می باشد» . (۱)

امّا همان طور که ذکر شد، در بیشتر منابع، تنها حضرت جواد علیه السلام به عنوان فرزند امام رضا علیه السلام ذکر شده است. همچنین این منابع یکی از دلایل تحیّر شیعه در پیدا کردن امام و شناسایی حجت حق تعالی بعد از امام رضا علیه السلام را دیر فرزنددار شدن ایشان دانسته اند. (۲)

جریان میلاد امام جواد علیه السلام به این صورت بود که: وقتی ایام رجب سال ۱۹۵ ه. ق فرا رسید، همگان در انتظار مولود مبارکی بودند. در سحرگاهان شب دهم حالتی بین خواب و بیداری، مادر را فرا گرفت. درد زایمان که تا دقایقی پیش او را به خود

۱- منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۵۳ با اندکی تلخیص و تصرف.

۲- در این خصوص ر. ک: موسوعه الامام الجواد علیه السلام، جمعی از محققین؛ مسند امام رضا علیه السلام، عزیزالله عطاردی خبوشانی؛ موسوعه کلمات الامام الجواد علیه السلام، پژوهشکده باقرالعلوم.

ص: ۵۱

مشغول ساخته بود از وی زائل گردید. در این لحظات امام رضا علیه السلام، در حجره مجاور مشغول راز و نیاز با حق تعالی بود. ناگاه صدای ملکوتی عرش نشینان، همزمان با انوار تابناکی که حجره مادر را نورانی می کرد، بشارت مولودی بابرکت را به ایشان داد.

بعد از گذشت دقایقی، ناگاه مادر، نوزادی زیبا، نورانی و خیره کننده را در کنار خویش دید که با گفتن شهادتین، به چهره مادرش می نگریست. آن گاه مادر، نوزادش را در برگرفته و غرق بوسه نمود و در حالی که بر لب حمد و ستایش حق تعالی داشت، قطرات اشک از دیدگانش چون درّ غلطان فرو می ریخت. در آن هنگام، نجمه علیها السلام، (مادر امام رضا علیه السلام) و همچنین عمّه های آن حضرت، خوشحال و مسرور، بستر خیزران علیها السلام را احاطه کرده و کودک را در آغوش گرفتند تا به پدر برسانند.

حضرت رضا علیه السلام نیز بعد از شکر حق تعالی، نام جدّش پیامبر «محمد» را بر او نهاد. صبح آن روز، بستگان ایشان، گروه گروه برای تهنیت به منزل آن حضرت آمده و ضمن عیادت از حضرت خیزران علیها السلام، نوزادش امام جواد علیه السلام را نیز زیارت

ص: ۵۲

می کردند. آن روز، یعنی روز دهم رجب سال ۱۹۵ ه. ق، خانه های هاشمیان در مدینه غرق سرور و شادی بود؛ زیرا که امام محمد بن علی الجواد علیهما السلام متولد شده بود. (۱)

۱- الکافی، ج ۱، ص ۲۴۹؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۸؛ کمال الدین، ص ۳۰۸؛ الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۲۷۵. علامه حلّی و برخی مانند وی نیز نیمه رمضان ۱۹۵ه. ق را روز تولّد جواد الائمه علیه السلام ذکر کرده اند. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۱۲۵.

ص: ۵۳

۶: خَیْزُران علیها السلام در توصیف پیامبر (ص)

بزرگی مقام حضرت خیزران به اندازه ای است که حتی رسول گرامی اسـلام (ص) از این بانو - که در آینده خواهد آمد - تمجید می کند! ایشان بنابر نقل فرزند گرامی اش، حضرت علی بن موسـی الرضا علیه السـلام، در مورد خیزران علیها السـلام چنین فرموده است:

بِأَبی ابنُ خِیَرَهِ الإماءِ النَوبِیَّهِ. (۱)

پدرم فدای فرزندی که از بهترین کنیزان اهل نوبه پدید خواهد آمد.

۱- الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۵؛ بحارالانوار، ج ۵، ص ۲۱.

ص: ۵۴

ص: ۵۵

۷: طاهره و مطهره

وقتی که حضـرت جواد علیه السـلام متولـد شـد، پـدر بزرگوارشـان امـام رضا علیه السـلام به همسـرش لقب «طاهره» و «مطهره» داد. (۱)اعطای چنین اوصاف و القابی از سوی حضـرت ثامن الحجج علیه السلام، نشان از مقام بلند و رفیع و ارزش های والای این همسر وفادار و مادر نمونه دارد.

طاهره و مطهره بودن این بانوی جلیل القـدر، دلیل بر چنـد نکته است. اوّل، اوج ولایت پذیری، که ایشان را از جمله مؤمنات حقیقی معرفی می نماید و شهادت امام بر این مطلب، جای کوچک ترین شبهه ای را باقی نمی گذارد. دوّم، نشان دهنده مرتبه ایمان و یقین آن

۱- موسوعه الامام الجواد علیه السلام، ج ۱، ص ۳۲.

ص: ۵۶

بـانو اسـت؛ زیرا مقـام طهـارت روحی است که انسـان را به اوج یقین می رسانـد. سـوّم، تـوجه دادن به این نکته است که او از زنـان بهشتی است و همنشین خوبان حقیقی عالم در جنّت خواهد بود. طوبی لَها و حُسن مآب.

ص: ۵۷

۸: تشبیه به مریم صدیقه علیها السلام

حضـرت مریم علیها السـلام از بانوان نمونه عالم هستی است که خداوند متعال - بعد از معرفی حضـرت آسـیه به عنوان اولین الگوی زنان ایمانی - او را الگوی اهل ایمان معرفی کرده و می فرماید:

(وَ مَرْیَمَ ابْنَتَ عِمْرانَ الَّتِی أَحْصَنَتْ فَرْجَها فَنَفَخْنا فِیهِ مِنْ رُوحِنا وَ صَدَّقَتْ بِکَلِماتِ رَبِّها وَ کُتُبِهِ وَ کانَتْ مِنَ الْقانِتِینَ) (تحریم: ۱۲)

و همچنین به مریم، دختر عمران که دامـان خود را پـاک نگاه داشت و ما از روح خود در آن دمیـدیم؛ او کلمات پروردگار و کتاب هایش را تصدیق کرده و از مطیعان فرمان خدا بود.

در آیه دیگری، خداوند به مریم علیها السلام لقب «صدّیقه» (۱)

۱- ر. ک: مائده: ۷۵.

ص: ۵۸

داده است. آن حضرت بنابر صریح قرآن، برترین زن زمانه خویش بود. (۱)پیامبر (ص) به همراه حضرت خدیجه علیها السلام، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام و آسیه مؤمنه، ایشان را نیز از جمله زنان برگزیده بهشتی معرفی کرد. (۲)همه این آیات و روایات که در شأن و منزلت حضرت مریم علیها السلام وارد شده است، دلالت بر اوج عظمت آن بانوی مکرّمه نزد حق تعالی دارد. امام رضا علیه السلام همسر و مادر فرزندشان امام جواد علیه السلام را به مریم علیها السلام تشبیه کرده و دراین باره می فرماید: «فرزندم [جواد علیه السلام] مانند عیسی بن مریم است و مادرش که زنی طاهره و مطهره بود او را به وجود آورد» . (۳)

امام رضا علیه السلام در این روایت، به شأن و عظمت فرزند و همسرشان تصریح نموده اند.

۱- ر. ك: آل عمران: ۴۲.

۲- مسند احمد، احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۹۳؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری ج ۲، ص ۴۹۷؛ بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۵.

۳- موسوعه الامام الجواد علیه السلام، ج ۱، ص ۳۲.

ص: ۵۹

۹: حوادث دوران زندگی

حضرت خیزران علیها السلام، بخشی از زندگانی خود را تحت امامت و ولایت دو امام، یعنی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و همسرش حضرت رضا علیه السلام گذرانیده است؛ اما در مورد اینکه دوره امامت فرزندش، امام جواد علیه السلام را نیز درک کرده باشد، منبع مستندی یافت نشده است، هرچند می توان احتمال داد که ایشان در سال های اولیه بعد از شهادت امام رضا علیه السلام (۳۰ صفر سال ۲۰۳ ه. ق) زنده بوده و تحت ولایت حضرت جواد علیه السلام نیز قرار گرفته است.

ایشان در دوران زندگی با حضرت ثامن الحجج علیه السلام شاهد وقایع متعددی بود. اولین واقعه، دستگیری، زندانی شدن و شهادت امام کاظم علیه السلام و اوج سخت گیری ها بر اهل بیت علیهم السلام بود. روزی که خبر

ص: ۶۰

شهادت مظلومانه امام کاظم علیه السلام به مدینه رسید، او نیز مانند امام رضا علیه السلام، مادر ایشان حضرت نجمه علیها السلام، خواهران امام رضا علیه السلام و سایر اهل بیت علیهم السلام به سوگ نشست. حضرت موسی بن جعفر علیه السلام وصایای خود را به فرزندش امام رضا علیه السلام کرده بود و در همه امور مربوط به همسران، فرزندان و مسائل دیگر، ایشان را وصی خویش قرار داده بود (۱)، ضمن اینکه نزدیکان از آل بنی هاشم و اصحاب خاص نیز از وصایت آن حضرت در امر امامت خبر داشتند.

پس از شهادت امام کاظم علیه السلام و آغاز امامت حضرت رضا علیه السلام، جاسوسان دربار با تحت نظر گرفتن امام علیه السلام، عرصه را بر امام و خاندانش سخت کرده بودند. امّا با این حال، آن حضرت به دقت به وظایف عالی امامت اهتمام داشت و به ویژه امور مربوط به خاندان پدر را با کیاست و ظرافت خاصّی انجام می داد.

در اواخر دوره هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳ه. ق) -که به دستور او سندی بن شاهک، (۲)امام کاظم علیه السلام را در آخرین مرحله دستگیری، به شهادت رسانده بود - تحولاتی در خراسان به ویژه در حوالی «مرو» رخ داد

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۱۶.

۲- مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، ص ۳۳۵.

ص: ۶۱

که نشان از شکل گیری اعتراضات جدّی مخالفین علیه عباسیان داشت. این اوضاع اگرچه ذهن هارون را به خود مشغول کرده بود؛ ولی با این حال از امام رضا علیه السلام و از اقدامات حضرت در مدینه غافل نبود و توسط جاسوسان والی مدینه از وضعیت ایشان کسب اطلاع می کرد. البته این ادامه همان سیاستی بود که هارون از ابتدای خلافتش در کنترل سادات و علویان به کار بسته بود. (۱)هارون که در سال ۱۹۳ه. ق، برای دفع شورش به خراسان رفته بود، در همان جا مُرد و در سناباد توس دفن گردید. (۲)

با مرگ هارون و اختلاف امین و مأمون بر سر حاکمیت، فضای بازتری برای امام رضا علیه السلام ایجاد شد و ایشان توانست با بهره گیری از این فرصت مغتنم به تربیت نیروهای مستعدّ و توجه جدّی به امور علویان و شیعیان اهل بیت علیهم السلام و نیز دیگر امور بپردازد. یکی از جلوه های امامت آن حضرت در این ایّام، برپایی محافل علمی و گاهی هم افاضات نوربخشی بود که برای خاندان و نزدیکان خویش داشتند و همسرشان

۱- ر. ك: تاریخ الرسل و الامم و الملوك، محمد بن جریر طبری، ج ۸ صص۲۳۵-۲۳۸؛ مقاتل الطالبیین، صفحات مربوط به قیام های نفس زکیه و شهید فخ.

۲- تاریخ الرسل و الامم و الملوك، ج ۸، ص ۳۴۶.

ص: ۶۲

حضرت خیزران علیها السلام نیز از آنها بهره ها می جست.

با ولادت امام جواد علیه السلام در دهم رجب سال ۱۹۵ ه. ق، نوری دیگر در زندگانی حضرت رضا علیه السلام متجلی شد و شیعه از وصـی ایشـان مطلع گردیـد. جوادالائمه علیه السـلام که در همان اوان طفولیت، نور هـدایت و امامت در جبین وی هویـدا بود، از طرف پدر و در محافل خصوصـی به عنوان امام بعد از آن حضـرت معرفی می گردید. اگرچه به دلیل القائات برخی از خواصّ، عده ای بعـدها از مسـیر امـامت منحرف شدنـد، ولی در اطراف حضـرت رضـا علیه السـلام، بزرگوارانی بودنـد که بـا نفوذ کلام خود، به امامت و معرفی جواد الائمه علیه السـلام، مساعدت شایانی نمودند. یکی از این اشخاص جلیل القدر، عموی امام رضا علیه السلام به نـام «علی بن جعفر علیه السـلام» (۱)بود که در گذشـته نیز امـامت برادرش حضـرت کاظم علیه السـلام را تبلیغ می کرد. وی مطالب مهمی نیز در ابواب فقهی از برادر پرسیده و نوشته بود که بعدها به عنوان «مسائل علی بن جعفر علیه السلام» ، شهرت فراوانی در بین اصحاب و فقهای خاصّه پیدا نمود.

نقل است که علی بن جعفر در یکی از مجالس آن

۱- علی بن جعفر عریضی، که در عُریض در مدینه و بنا به قولی نیز در قم مدفون است.

ص: ۶۳

زمان که امام رضا علیه السلام به عموها و اطرافیان، درباره جانشینی فرزندش حضرت جواد علیه السلام تأکید می کرد، برخاست و دست برادرزاده اش (امام جواد علیه السلام) را گرفت و به عنوان بیعت عرضه داشت:

اَشهَدُ اَنّکَ إمامٌ عِندَ اللهِ. (۱)

من شهادت می دهم که تو در پیشگاه خداوند به حقیقت امام هستی.

در این هنگام، امام رضا علیه السلام با گریه فرمود:

عمو جان! آیا سخن پدرم موسی بن جعفر علیه السلام را به یاد می آوری که از طریق اجدادش، از پیامبر (ص) چنین نقل فرمود: پدرم فدای بهترین پسر کنیز (حضرت خیزران) از اهالی نوبه باد، که طیّب و طاهرست و بین فرزندش و پدرش (امام جواد و امام رضا علیهما السلام) - با هجران و حرکت اجباری به خراسان و مرو - فاصله خواهد افتاد و در اثر این فراق، عده ای در انتخاب امام، راه ضلالت و هلاکت را خواهند پیمود!

علی بن جعفر علیه السلام عرض کرد: «فدایت شوم، راست گفتی! مطلب همان است که می فرمایی» . (۲)

۱- ارشاد، ج ۱، ص ۲۷۵؛ بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۸.

۲- ارشاد، ج ۱، ص ۲۷۵؛ بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۸.

ص: ۶۴

ص: ۶۵

۱۰: حدیث هجران

شایـد مهم ترین فراز از زنـدگی حضـرت خیزران علیهـا السـلام و در عین حـال جانکـاه ترین آنهـا، رخـدادی بود که باعث حرکت اجبـاری حضـرت ثـامن الحجـج علیه السـلام به سـمت خراسان گردیـد و نتیجه آن، فراق و هجران دائمی بین ایشان و امام رضا علیه السلام بود که از همان آغاز، سوز و گریه آن را همراهی کرده و در نهایت منجر به شهادت امام و مقتدایشان در غربت گردید.

با کشـته شدن امین در سال ۱۹۸ه. ق در بغـداد، عبدالله مأمون (۱۹۸ – ۲۱۸ه. ق) به صورت رسـمی در جایگاه هفتمین خلیفه عباسی قرار گرفت. شـیوه تعامل وی با سادات و علویان از همان آغاز، حکایت از سـیاستی جدید داشت. مأمون که از قدرت نظامی و تفکر سیاستمداران ایرانی همچون «فضل بن سهل

ص: ۶۶

سرخسی» برخوردار بود، وقتی که خطبه خلافت (سال ۱۹۸ ه. ق در مرو) به نام وی خوانده شد، با توجه به علاقه خراسانیان به سادات و علویان، خود را دوست ایشان و مخالف روش های قبلی که منجر به برخورد با سادات شده بود معرفی کرد. (۱)

از این رو، با مشورت فضل، تصمیم گرفت که امام رضا علیه السلام را به مرو بیاورد. وی چند هدف مهم از این حرکت داشت: اولاً، کنترل امام و کسانی که با ایشان رفت و آمد داشتند؛ ثانیاً، خلع سلاح مخالفین شیعی و علویانی که با وی سر جنگ داشتند و ثالثاً، کنترل و محدود نمودن ارتباط مردم با امام رضا علیه السلام که نتیجه همه اینها مشروعیت دادن به حاکمیت خودش بود. او برای تأمین این اهداف در نظر داشت در حرکتی نمایشی و سیاسی، خلافت را به امام عرضه کند و در صورت عدم قبول آن، جانشینی خود را به آن حضرت تحمیل نماید.

در سال ۲۰۰ ه. ق، وقتی گروه اعزامی مأمون به فرماندهی «رجاء بن ابی ضحّاک» وارد مدینه شده و خبر دعوت مأمون از امام را منتشر کردند، بهت و حیرت، مدینه را فرا گرفت؛ زیرا مردم از شیوه

۱- ر. ك: دولت عباسیان، محمد سهیل طقوش، صص ۱۳۵-۱۵۱.

ص: ۶۷

برخورد حاکمان عباسی با اهل بیت علیهم السلام اطلاع داشتند و این قضیه را عجیب می پنداشتند. روزی که امام رضا علیه السلام برخلاف میل باطنی در پذیرش دعوت طاغوت و تنها برای انجام وظایف سنگین امامت، این مسئله را پذیرفت و عزم حرکت نمود، اجتماع عظیمی از مردم مدینه النبی (ص) اطراف آن حضرت را گرفتند. همسر، برادران، خواهران و فرزندش امام جواد علیه السلام، نزدیک موکب امام قرار گرفته بودند و با اشک چشم ایشان را بدرقه می کردند. امام به خاندان خویش فرمود که، در فراق او گریه کنند؛ زیرا گریه فقط برای مسافری که امید برگشت دارد، مناسب نیست. (۱)در واقع امام با این سخن به همگان فهماند که این مسافرت اجباری است و مأمون قصد جان وی را دارد.

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۱۸.

ص: ۶۸

ص: ۶۹

۱۱: در فراق امام

مـدتی بعـد از هجرت امـام رضـا علیه السـلام به خراسـان، تحمّـل فراق آن حُجت الهی بر نزدیکانشان به ویژه حضـرت خیزران علیها السلام و امام جواد علیه السلام و نیز بر خواهران گرامی شان بسیار سخت بود.

ازاین رو، در پی هجرت عده ای از برادران و عموزادگان آن حضـرت، همچون احمد بن موسـی علیه السلام (ملقب به شاهچراغ) به ایران (۱)، حضـرت فاطمه معصومه علیها السـلام نیز به فاصـله کمی، به همراه چند نفر از زنان اهل بیت و دیگر عموزادگان، به قصد زیارت برادرش امام رضا علیه السلام به سمت ایران حرکت کرد. ایشان در مسیر حرکت، به شهر ساوه رسیدند که در

۱- ر. ک: قیام سبزجامگان، اثر نگارنده، در مورد حرکت سادات به ایران در ابتدای قرن سوّم.

ص: ۷۰

آن روزگـار حـاکمی معانـد بـا اهل بیت علیهم السـلام بر آن مسـلّط بود. به دسـتور آن حاکم جبّار سـربازان به این کاروان کوچک حمله کردند که در اثر این هجوم، جمعی از همراهان حضـرت معصومه علیها السـلام به شهادت رسیده و خود ایشان نیز به سمت قم – که شیعیان اهل بیت در آنجا سکونت داشتند – حرکت کرد. آن حضرت پس از رسیدن به قم، مورد استقبال بزرگان شهر، به ویژه اشـعریان و در رأس آنان، جناب «موسـی بن خزرج» قرار گرفت و بعـد از اقامتی چنـد روزه، در همین شـهر وفات کرد و در آرزوی دیدار برادر جان داد. (۱)

این حادثه و نیز هجرت سایر علویان و سادات به ایران، باعث گسترش روزافزون مکتب تشیع گردید. چه زیبا سروده است شاعر که:

خمیر مایه استاد شیشه گر سنگ است

عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد!

وقتی که مأمون مشاهده کرد محبّت امام رضا علیه السلام در ل ها بیشتر شده و مناظرات ایشان با ارباب ادیان و فرق، موج عظیمی از ارادت نسبت به آن حضرت در شهرها برانگیخته است و همچنین به دلیل ناراحتی

۱- تاریخ قم، محمد بن حسن قمی، ص ۲۱۳.

ص: ۷۱

بزرگـان عباسـی در توجه ظـاهری به امـام و علویـان، تصـمیم گرفت که مرکز خلافت را به بغـداد منتقل کنـد. وی برای اجرای این تصـمیم، ابتدا فضل بن سهل را که از نقشه های قبلی وی اطلاع داشت، از میان برداشت و سپس امام (۱)را – در توقفی که در سناباد و در باغ «حمید بن قحطبه» جهت دیدن قبر پدرش هارون داشت – با سمّ مهلکی که به اجبار به امام خوراند به شهادت رسانید.

هنگامی که جنازه مطهّر حضرت آماده تشییع بود، به اذن الهی، امام جواد علیه السـلام بر سـر بالین پدر حاضـر شد و بر پیکر ایشان نماز خواند (۲)؛ درحالی که احـدی جز خواصّ و اصـحاب سـرّ امام بر آن مطلع نشـد. هنگامی که خبر این حادثه جانگداز به مدینه رسـید، حضـرت خیزران علیهـا السـلام با دلی مالامال از غصّه و عشق اشک می ریخت و در فراق آن حضـرت می سوخت و در این میان فقط امام جواد علیه السـلام مونس تنهایی مادر بود. سرانجام پس از گذشت چند سال از شهادت امام رضا علیه السلام و تحمّل این دردِ جانکاه، حضرت خیزران علیها السلام، جان به جان آفرین تسلیم کرد و به دیار باقی شتافت.

۱– الارشاد، ج ۱، ص ۲۷۵؛ بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۸.

۲– حدیقه الشیعه، احمد اردبیلی (محقق و مقدس اردبیلی) ، ص ۶۶۰.

ص: ۷۲

ص: ۷۳

کتابنامه

* قرآن کریم

۱. آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان، چاپ ششم، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۲ه. ش.

۲. اثبات الوصیه، ابوالحسن مسعودی، قم، نشر بصیرتی.

۳. الاحتجاج، ابومنصور احمد بن علی طبرسی، تحقیق:

سید محمدباقر الخرسان، بیروت، دارالنعمان للطباعه والنشر.

۴. الاختصاص، شیخ مفید، به تحقیق علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم، بی تا.

۵. اختیار معرفه الرّجال، محمد بن حسن طوسی (شیخ الطائفه) ، قم، نشر آل البیت، ۱۴۰۴ه. ق.

۶. الاربعین فی امامه الائمه، محمدطاهر شیرازی القمی، تحقیق: سیدمهدی رجایی، چاپ اوّل، ۱۴۱۸ه. ق.

۷. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، محمد بن نعمان (شیخ مفید) ، تحقیق و نشر آل البیت لاحیاء التراث، قم، دارالمفید.

۸. اعلام النساء المؤمنات، محمد حسّون، علی مشکور، اسوه، تهران، ۱۴۱۱ه. ق.

ص: ۷۴

۹. اعلام الوری باعلام الهدی، فضل بن حسن طبرسی، چاپ اول، قم، نشر آل البیت، ۱۴۱۷ه. ق.

۱۰. الامالی، سید مرتضی علم الهدی، تحقیق: سید محمد بدرالدین، قم، مکتبه مرعشی، ۱۴۰۳ه. ق.

۱۱. الامالی، محمد بن حسن طوسی، قم، دارالثقافه، ۱۴۰۳ه. ق.

۱۲. الامام الرضا علیه السلام، عزیزالله عطاردی، نشر کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ه. ق.

۱۳. الانوار البهیه، شیخ عباس قمی، چاپ اول، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ه. ق.

۱۴. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، چاپ دوم، بیروت، نشر الوفاء، ۱۴۰۳ه. ق.

۱۵. البدایه و النهایه، اسماعیل بن کثیر دمشقی، تحقیق: علی شیری، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ه. ق.

۱۶. تاج العروس، محمد زبیدی، بیروت، مکتبه الحیاه.

۱۷. تاج الموالید فی موالید الائمه و وفیاتهم، فضل بن حسن طبرسی، قم، نشر مکتبه مرعشی، ۱۴۰۶ه. ق.

۱۸. تاریخ ابن عساکر، هبهالله بن عساکر، تحقیق: علی شیری، بیروت، نشر دارالفکر، بی تا.

۱۹. تاریخ الرسل والامم و الملوک، محمد بن جریر طبری، تحقیق: ابراهیم محمد ابوالفضل، مصر، دارالمعارف.

۲۰. تاریخ قم، حسن بن محمد قمی، تهران، توس، ۱۳۶۱ه. ش.

۲۱. تاریخ موالید الائمه، ابن خشاب بغدادی، قم، مکتبه مرعشی، ۱۴۰۶ه. ق.

ص: ۷۵

۲۲. تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، اصغر قائدان، چاپ اول، تهران، مشعر.

۲۳. تحریر الاحکام، علی بن یوسف بن مطهر حلی (علامه حلّی) ، تحقیق: شیخ ابراهیم بهادری، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۰ه. ق.

۲۴. الثاقب فی المناقب، عمادالدین بن حمزه طوسی، تحقیق: نبیل علوان، چاپ دوم، قم، نشر انصاریان، ۱۴۱۲ه. ق.

۲۵. جغرافیای تاریخی حرکت امام رضا از مدینه تا مرو، جلیل عرفان منش، چاپ چهارم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵ه. ش.

۲۶. الحدائق الناضره، یوسف بحرانی، تحقیق: محمدتقی ایروانی، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ه. ق.

۲۷. حدیقه الشیعه، احمد اردبیلی (مقدس و محقق اردبیلی) ، تهران، نشر گلی.

۲۸. حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ابونعیم اصفهانی، نشر بیروت، ۱۳۸۷ه. ق.

۲۹. الخرائج و الجرائح، هبه الله قطب الدین راوندی، قم، مدرسه امام مهدی (عج) ، ۱۴۰۹ه. ق.

۳۰. الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه، سید علی خان مدنی، چاپ دوم، قم، نشر بصیرتی، ۱۳۹۷ه. ق.

۳۱. دلائل الامامه، محمد بن جریر بن رستم امامی طبری، تحقیق و نشر: مؤسسه بعثت، چاپ اول، قم، ۱۴۱۲ه. ق.

ص: ۷۶

۳۲. دولت عباسیان، محمد سهیل طقوش، ترجمه: حجت الله جودکی، چاپ سوم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ه. ش.

۳۳. الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، زین الدین جبل عاملی (شهید ثانی) ، تحقیق: سید محمد کلانتر، چاپ اول، قم، نشر داوری، ۱۴۱۰ه. ق.

۳۴. روضه الواعظین، محمد بن فتّال نیشابوری، تحقیق: سید محمد مهدی خرسان، قم، نشر شریف رضی، بی تا.

۳۵. زنان دانشمند و راوی حدیث، احمد صادقی اردستانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ه. ش.

۳۶. الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم، زین الدین علی بن یونس النباطی البیاضی، تحقیق: محمد باقر بهبودی، نجف، مکتبه مرتضویه.

۳۷. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق) ، تحقیق و نشر: اعلمی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۰۴ه. ق.

۳۸. الغدیر، عبدالحسین امینی، تهران، علمیه.

۳۹. الفایق فی غریب الحدیث، محمود بن عمر زمخشری، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ه. ق.

۴۰. الفرج بعد الشده، قاضی ابوعلی تنوخی، چاپ دوم، قم، شریف رضی، ۱۳۶۴ه. ش.

۴۱. قیام سبزجامگان، بهاءالدین قهرمانی نژاد شائق، چاپ اول، چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۶ه. ش.

ص: ۷۷

۴۲. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفّاری، چاپ سوم، تهرن، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ه. ق.

۴۳. کشف الغمّه عن معرفه الائمه، علی بن عیسی اربلی، چاپ دوم، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ه. ق.

۴۴. کمال الـدین و تمام النعمه، ابوجعفر محمـد بن علی بن بابویه قمی (شیـخ صـدوق) ، تحقیق و تعلیقه: علی اکبر غفاری، قم، نشـر جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ه. ق.

۴۵. لسان العرب، ابن منظور، چاپ اول، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ه. ق.

۴۶. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، نورالدین هیثمی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ه. ق.

۴۷. المحلّی، ابن حزم اندلسی، تحقیق: احمد شاکر، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۴۸. مدینه المعاجز، سید هاشم بحرانی، تحقیق: عزت الله مولایی همدانی، چاپ اول، قم، معارف اسلامیه، ۱۴۱۴ه. ق.

۴۹. المستدرک علی الصحیحین، اسماعیل حاکم نیشابوری، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ه. ق.

۵۰. مسند احمد، احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر.

۵۱. مسند الامام الرضا علیه السلام، عزیز الله عطاردی، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام.

۵۲. مسند الرضا، داود بن سلیمان الغازی، تحقیق: محمدجواد الحسینی الجلالی، چاپ اول، قم، مکتبه اعلام الاسلامی، ۱۴۱۸ه. ق.

ص: ۷۸

۵۳. مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، تحقیق: احمد صقر، نجف، حیدریه، ۱۳۷۶ه. ق.

۵۴. مناقب آل ابی طالب، محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی، نجف، نشر حیدریه، ۱۳۷۶ه. ق.

۵۵. منتهی الامال، شیخ عباس قمی، تهران، نشر جاودان.

۵۶. المنجد فی اللغه والاعلام، لویس معلوف، بیروت.

۵۷. موسوعه الامام الجواد، جمعی از محققین، زیر نظر ابوالقاسم خزعلی، قم، مؤسسه امام مهدی، ۱۴۱۹ه. ق.

۵۸. موسوعه کلمات الامام الجواد، گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم، قم، نور السجاد، ۱۳۸۲ه. ش.

۵۹. الهدایه الکبری، حسین بن حمدان الخصیبی، چاپ چهارم، بیروت، نشر البلاغ، ۱۴۱۱ه. ق.

۶۰. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن حسن حرّ عاملی، تحقیق: شیخ محمد رازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای


WWW